

شده‌اند و اکنون به جای آن که عامل نظم و امنیت حقوقی باشند، به منبع آشفتگی و عدم امنیت حقوقی مبدل شده‌اند. از اینرو، برای حل این مسأله و ارتقاء کارآمدی نظام قانون‌گذاری و اجرای بهینه قوانین و مقررات، لازم است، گام دیگری در زمینه قوانین برداشته شود که اصطلاحاً به «تنقیح و تدوین قوانین و مقررات» موسوم است. بر این اساس، لازم است، ابتدا، قوانین و مقررات معتبر از نامعتبر متمایز و مشخص شود و سپس قوانین و مقررات معتبر راجع به یک موضوع معین، در یک مجموعه منظم و با ساختار منطقی تدوین شده و در دسترس عامه مردم قرار گیرد. این امر از یک‌سو می‌تواند قانون‌گذار را در مرحله وضع قوانین و مقررات یاری کرده و او را از دوباره‌کاری وضع قوانین و مقررات متفاوت و ناهمسان، عدیده و غیر واضح در مورد یک موضوع واحد یا دسته‌ای از موضوعات مرتبط با هم باز دارد و از تراکم یا تورم قانونی جلوگیری نماید و از سوی دیگر، دادرسان، وکلا، سردفتران، کارشناسان حقوقی، دستگاه‌های اجرایی و عموم مردم را در شناسایی قاعده حقوقی حاکم بر موضوع موردنظر یاری رسانده و از تحیر و تردید، دو سخنی‌ها، افتراق، پراکندگی آراء قضایی و اداری و فیصله دادن اختلافات و نیز اختلاف در رویه‌ها به میزان چشمگیری بکاهد. همچنین، با توجه به نوع نظام سیاسی حاکم بر کشور و همین‌طور، شرایط خاص پیش آمده بعد از انقلاب اسلامی، به تدریج، نهادهای خاصی با دستور قانون‌گذار اساسی یا مقام رهبری بنیان‌گذاری گردیده‌اند که یقیناً هدف از تأسیس بیشتر آنها، تصمیم‌گیری فوری، با لحاظ نمودن مصلحت و شرایط خاص نظام و شهروندان بوده است. اهمیت و نکته جالب نوشتار حاضر نیز در ارتباط با این مهم بوده که در سیستم حقوقی ایران، چگونه می‌توان موازنه مابین مفاهیمی چون قانون‌مداری و وجود نهادهای خاص قانون‌گذاری برقرار نموده تا اینکه از یک‌سو، ویژگی‌های مرتبط با حاکمیت قانون از قبیل آزادی، برابری شهروندان، نظارت همگانی و... رعایت گردیده و از سوی دیگر، به کارکرد نهادهای فوق‌الاشاره که با اهداف دینی و انقلابی تأسیس گردیده‌اند، نقصی وارد نیاید.

نوشتار حاضر سعی نموده، با روشی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع مرتبط، در بخش نخست، ضمن اشاره به مفهوم حاکمیت قانون، به تحلیل و بررسی جامعی از نهادهای خاص قانون‌گذار و موضوعاتی چون تاریخچه و فلسفه تأسیس،